



تحلیل جایگاه شهرهای کوچک در کاهش مهاجرت روستائیان به کلان شهرها (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)

مریم قاسمی^۱

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد
M_ghasemi۱۳۲@yahoo.com

چکیده

در حال حاضر شرایط موجود بیانگر عدم تعادل فضایی در سطح شهرستان مشهد است زیرا جمعیت نواحی کم توان شهرستان به سود نواحی پر توان مادر شهر مشهد (به صورت مهاجر تخلیه می شود. از این رو مطالعه حاضر به بررسی جایگاه شهرهای کوچک شهرستان در کاهش مهاجرت روستائیان به مادر شهر مشهد می پردازد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد و ابزار تحقیق ۳۸۰ پرسشنامه خانوار در ۴۵ روستای نمونه است. جهت تحلیل داده های تحقیق با توجه به نوع متغیر از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که در حال حاضر ارتباط ارگانیکی بین مادر شهر مشهد و شهرهای کوچک آن و به تبع آن نواحی روستایی شهرستان با شهرهای کوچک آن وجود نداشته و نواحی روستایی جهت رفع نیازهای خود مستقیماً با مادر شهر مشهد در ارتباطند؛ لذا تقویت شهرهای کوچک شهرستان به واسطه ارتباط تنگاتنگ و بلافضلی که با نقاط روستایی پیرامون خود دارند تا حدودی می تواند به ایجاد تعادل فضایی در سطح شهرستان کمک نماید)

واژگان کلیدی: شهرهای کوچک، توسعه منطقه ای، توسعه روستایی، شهرستان مشهد

۱. مقدمه

نظام فضایی- جمعیتی ایران تا سال ۱۳۳۵ همگونی نسبی داشته و به صورت کلهکشان بوده، ارتباط ارگانیکی بین شهرهای کوچک و بزرگ هر منطقه، و شهرها و مراکز روستایی آن ها برقرار بود (زیاری، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۴)، اما از سال ۱۳۳۵ به بعد با بکارگیری نظریات اقتصاد فضا، عدم تعادل و نابرابری در این نظام به وجود آمد (فرهودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۰) و تشدید شد؛ کلان شهرها و شهرهای بزرگ با رشد بی اندازه و لجام گسیخته مواجه شدند و شهرهای کوچک همچون نواحی روستایی تبدیل به نواحی سکونتگاهی کم توان گردیدند در این راستا برنامه ریزان توسعه ملی از یک سو به منظور تقلیل

^۱ . دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی





معضلات کلان شهرها، کنترل مهاجرت‌های روستا-شهری، تمرکز زدایی از ساختار اقتصادی- اجتماعی و توسعه متوازن منطقه ای و از سوی دیگر با رویکرد توسعه ناحیه ای و ایجاد روابط منطقی بین نقاط شهری و روستایی، مجموعه اقداماتی را در چند دهه‌ی اخیر مد نظر قرار دادند که از آن جمله تمرکز زدایی فضایی از طریق مطالعات طرح کالبدی ملی، طرح‌های آمایش منطقه ای، توسعه شهرهای متوسط، کوچک و روستا- شهرها و... بوده است (خرائط زبردست، ۱۳۸۶: ۳۳). در این مقاله به تحلیل جایگاه شهرهای کوچک در کاهش مهاجرت روستائیان به کلان‌شهر مشهد پرداخته می‌شود.

۲. تعریف مسأله

اگر هدف از توسعه کشور، توسعه مناطق خارج از شهرهای بزرگ باشد به طوری که علاوه بر شهرها، تمام نواحی روستایی را در برگیرد، یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها، عطف توجه به شهرهای کوچک و به نوعی تعیین و ارزیابی نقش آن‌ها در توسعه منطقه ای است (سرای و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۶). زیرا کانون‌های کوچک شهری اولین هسته‌های شهری و به عنوان حلقه اتصال نواحی روستایی با شهرهای بزرگ‌تر قلمداد گردیده و هرگونه تحرک و فعالیت در این کانون‌ها، در مرحله نخست و بی واسطه حوزه‌های روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (فنی، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۳).

شهرستان مشهد در سال ۱۳۸۵ دارای ۵ نقطه شهری مشهد، ملک آباد، رضویه، طرقله و شان‌دیز بوده است که ۹۹٪ جمعیت شهری شهرستان در مادرشهر مشهد و تنها ۱٪ جمعیت شهری در چهار شهر کوچک شهرستان متمرکز بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ در حال حاضر ارتباط ارگانیکی بین مادرشهر مشهد و شهرهای کوچک آن و به تبع آن نواحی روستایی شهرستان با شهرهای کوچک آن وجود نداشته و نواحی روستایی جهت رفع نیازهای خود مستقیماً با مادر شهر مشهد در ارتباطند. در حالیکه مادرشهر مشهد با رشد شتابان جمعیت و منابع رو به رو است شهرهای کوچک شهرستان تبدیل به نواحی کم توان و گاه مهاجر فرست گردیده‌اند.

روند رو به تزاید مهاجرت به مادرشهر مشهد موجب افزایش حاشیه نشینی گردیده، به طوری که در سال ۱۳۸۹ بیش از ۸۲۰ هزار نفر - معادل ۱/۳ جمعیت مشهد- در بیش از ۲۰۰ مرکز حاشیه نشین این مادرشهر ساکن می‌باشند (اکبریان، ۱۳۸۸). این امر بیانگر رشد شتابان مادرشهر مشهد و توزیع بسیار نامتوازن و تمرکزگرایانه جمعیت و منابع در سطح شهرستان و شکل‌گیری ساختارهای معیوب و نابسامان اقتصادی و اجتماعی در شهرهای کوچک شهرستان و روستاهای پیرامون مادرشهر می‌باشد.

لذا تمرکز شدید و روز افزون جمعیت در مادرشهر مشهد در نتیجه تحولات جمعیتی استان و نقش فراملی مادرشهر، در کنار تحولات اخیر جهان، عملاً تمام امکانات و تسهیلات، منابع و جریان‌های مالی و اعتباری، جریان‌های اطلاعاتی ICT، IT، و... و بالأخره منابع و جریان‌های محلی، روستایی را روندی شهرگرا و مرکز- پیرامون بخشیده است و در نخستین سال‌های هزاره سوم روابط مرکز- پیرامون میان کشورهای استعماری و الگوهای سکونتگاهی را در کشورهای پیرامون به شکلی دیگر در روابط متقابل مادرشهر و شهرهای کوچک و نواحی روستایی بازتابانیده است





(عبدالهی، ۱۳۸۷: ۳) که نتیجه زود هنگام چنین وضعیتی، شیوع پدیده‌ی ماکروسفالی، بزرگ سری و تمرکز گرایی شدید کلان شهری، مهاجرت‌های روستا-شهری و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و نهایتاً عدم تعادل فضایی در سطح شهرستان مشهد شده است.

به جرات می‌توان گفت؛ در حال حاضر شرایط موجود بیانگر عدم تعادل فضایی در سطح شهرستان است زیرا جمعیت نواحی کم توان مناطق روستایی و شهرهای کوچک شهرستان به سود نواحی پر توان مادرشهر مشهد (به صورت مهاجر تخلیه می‌شود به طوری که در سال ۱۳۸۵، از مجموع ۴۷۹ سکونتگاه روستایی ۴،۷۰٪ روستاهای شهرستان مشهد با موازنه منفی جمعیتی مهاجر فرست بوده‌اند. در این تخلیه جمعیتی، مقصد مهاجرت ابتدا روستاهای پیرامون مشهد و سپس حاشیه و شهر مشهد) که فاقد زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی کافی است می‌باشد، و نتیجه آن، گسترش حجم جمعیت حاشیه‌نشین، فشار بیشتر بر ساختار ناتوان شهر مشهد، افزایش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی و ... خواهد بود، بنابراین ادامه این روند باعث :

- تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌های کم توان به نفع مناطق به ظاهر پرتوان و تشدید عدم تعادل‌های فضایی و ناپایداری‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در نواحی مختلف شهرستان.

- تمرکز جمعیت در محدوده‌های خاصی از شهرستان (به ویژه در محدوده خدماتی، حاشیه و حریم مادرشهر مشهد).

- تمرکز جمعیت روستایی در بخش‌های محدودی از شهرستان (شمال شرق و شمال غرب) یا دهستان‌های طوس و تبادکان در بخش مرکزی.

- عدم امکان بهره‌برداری مطلوب از پتانسیل‌ها و توان‌های منطقه‌ای به منظور رفع احتیاجات جمعیت و توسعه فضاهای روستایی در نتیجه تنگناهای اقتصادی انسانی و...

- بهره‌برداری جمعیت از توان‌های بخش‌های محدودی از شهرستان و در نتیجه افزایش ناپایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و تشدید عدم تعادل‌های فضایی.

- گسترش محدوده‌های حاشیه‌نشین شهری در اثر توسعه بی برنامه روستاهای پیرامونی مادرشهر مشهد و ... (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷).

بر اساس مطالعات اکتشافی در حال حاضر نقش میانی شهرهای کوچک شهرستان بسیار کم‌رنگ بوده و نواحی روستایی به طور مستقیم با مادرشهر مشهد در ارتباطند؛ لذا تقویت شهرهای کوچک شهرستان تا حدودی می‌تواند به ایجاد تعادل فضایی در سطح شهرستان کمک نماید. زیرا اینگونه شهرها به واسطه ارتباط تنگاتنگ و بلافضلی که با نقاط روستایی





پیرامون خود (در تمام زمینه‌ها) دارند، می‌توانند ضمن کنترل و هدایت مهاجرت روستائیان به شهرهای دیگر منطقه موجبات پویایی، رشد، توسعه و برانگیختن این کانون‌های سکونتی را در یک سلسله مراتب سکونتگاهی فراهم آورند. بنحویکه توسعه این شهرها روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی است و می‌تواند به عنوان شقی در مقابل رشد کلان‌شهرها و کنترل کننده‌ی مشکلات حاصله از لجام گسیختگی و رشد بی‌اندازه‌ی اینگونه شهرها (با جذب مهاجرین روستایی) عمل نماید (ضرابی، ۱۳۷۸: ۱۰۲) از این رو شهرهای کوچک و محلی به عنوان یکی از حلقه‌های سلسله‌مراتب مکان‌های مرکزی در یک نظام برنامه‌ریزی فضایی، می‌توانند نقش عمده‌ای در ایجاد تعادل و توازن نظام سکونتگاهی سرزمین به عهده داشته باشند (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱: ۱۵۷)

با توجه به مسائل مطروحه بالا که مبتنی بر مطالعات اکتشافی تحقیق می‌باشد، به جرات می‌توان گفت که در سطح شهرستان مشهد با عدم تعادل فضایی مواجه هستیم لذا سؤال اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می‌گردد:

- آیا علی‌رغم وجود قطب پرجاذبه مشهد، شهرهای کوچک شهرستان توانسته‌اند در ایجاد و تقویت تعادل فضایی - جمعیتی و تغییر در اولویت مهاجران روستائی شهرستان موثر واقع گردند؟

با توجه به کلیه مسائل مطرح شده در طرح مسأله و با توجه به سؤال مذکور، فرضیه ذیل مورد آزمون قرار گرفته است:

- شهرهای کوچک شهرستان مشهد در توزیع متعادل جمعیت در کانون‌های شهری، ایجاد اثرات مثبت فضایی و تغییر در انگیزه‌ها و اولویت مهاجرت روستائیان منطقه نقش موثری ندارند.

۳. پیشینه تحقیق

ایده و موضوع مطالعه شهرهای کوچک در سطح منطقه ای و محلی اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰ م) و بحث «مرکز توسعه روستایی» توسط فانل (۱۹۷۶ م) آغاز و مطرح گردید که تقریباً جدیدترین موضوع در توسعه منطقه ای بود (فنی، ۱۳۸۲: ۱۶). جانسون چنین مطرح می‌کند که برای ادغام اقتصاد روستاها با اقتصاد شهرها و با اقتصاد شهرهای بزرگ‌تر، وجود شهرهای کوچک‌تر ضروری است. (خراط زبردست، ۱۳۸۳: ۲۵). مطالعات انجام شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۶ نشان داد که اغلب کشورهای در حال توسعه به سوی الگوی غیرمتمرکز توسعه فضایی، که در آن تقویت شهرهای کوچک و متوسط محور اصلی سیاست است، گرایش پیدا کرده‌اند (خراط زبردست، ۱۳۸۳: ۲۵). اصولاً در تعریف و تعیین شهر کوچک بیشتر بر اندازه جمعیتی تأکید می‌شود که از دلایل آن محدود بودن اطلاعات در مورد دیگر ویژگی‌ها و خصوصیات این شهرهاست. تعریف شهر کوچک در هر کشور و منطقه ای، با توجه به شرایط و مقتضیات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. منظور از شهرهای کوچک، شهرهایی است که کمتر از ۱۰ هزار





نفر تا ۵۰ هزار نفر جمعیت دارد و دارای بعضی از کارکردهای شهری نظیر خرده فروشی، بازاریابی، بخش اداری محلی و مرکز حمل و نقل است (شکویی، ۱۳۸۵: ۴۱۴). از لحاظ معیار و جایگاه در نظام سکونتگاهی، شهرهای کوچک در پایین سلسله مراتب شهری و در یک مجموعه وابسته روابط افقی با دیگر مراکز شهری قرار گرفته‌اند. شهرهای کوچک در انتهای پیوند زنجیره اداری هستند (ایزدی، ۱۳۸۰: ۳۸). جدول شماره ۱ به بخشی از نتایج مطالعات جهانی در زمینه نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی اشاره دارد:

جدول ۱: برخی از تجارب خارجی در زمینه نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی.

شماره	محقق	عنوان و نتایج تحقیق
۱	T. Ito , M. Tani fuji (۱۹۸۲)	شهرهای کوچک ژاپن در ایجاد فرصت‌های شغلی غیر زراعی برای نیروی مازاد کار روستایی و فراهم کردن تسهیلات و امکانات شهری و خدماتی نقش مؤثری داشته‌اند (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰: ۲۴۵).
۲	P. O. Pederson	رشد و توسعه شهرهای کوچک آفریقا به یکپارچگی فعالیت‌های غیر زراعی و ایفای نقش واسط اقتصاد آن‌ها با اقتصاد روستاهای پیرامون و اقتصاد ملی آن‌ها وابسته می‌باشد (۱۹۹۵: ۷۶-۸۴ Pederson)
۳	N. A. M. R. Bulgaria	توسعه این شهرها سبب ارائه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، ایجاد جاده و امکانات ارتباطی، دسترسی به اینترنت و نیز تأمین مالی برای توسعه محلی بلغارستان شده‌اند (N. A. M. R. B. , ۲۰۰۳: ۲۵).
۴	D. Satterthwaite & C. Tacoli	شهرهای کوچک آفریقا با تهیه بازارهای محلی برای محصولات کشاورزی، در توسعه روستایی و منطقه‌ای و کاهش فقر نقش مؤثری داشته‌اند (Satterthwaite & Tacoli, ۲۰۰۳: ۱۲-۳۰).
۵	G. OWUSU	توسعه این شهرها در غنا سبب جذب مهاجرین روستایی شده و کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر شده است؛ وجود این شهرها در تعادل فضایی غنا مؤثر بوده‌اند (۶۱-۶۰: ۲۰۰۵ OWUSU).
۶	V. Hannah	ارزیابی نقش این شهرک‌ها در ویتنام به عنوان بخشی جامع از استراتژی توسعه شهری بوده و آنالیز تفاوت‌ها و توزیع منابع در این شهرها نوشته چالش‌ها و قابلیت‌های توسعه منطقه‌ای را نشان دهد (Hannah, ۲۰۰۸: ۱۵).
۷	P. Allingham	شهرهای کوچک اروپا (روهر آلمان، هلند و...) نقش مهمی در افزایش مشارکت و تعلق محلی، احیاء برخی صنایع سنتی و تحقق شهرهای اینترنتی (مجازی) در ارتباط با متروپلیتن‌ها شده‌اند (Allingham, ۲۰۰۹: ۹۱۹-۹۲۴).
۸	B. R. Hall & R. Pulver	شهرهای کوچک کارولینای شمالی آمریکا در تجدید حیات سکونت و ترغیب مشارکت و ابتکارات اجتماعی، جذب سرمایه‌گذاری‌های محلی و ایجاد اشتغال ایالتی مؤثر بوده‌اند؛ با ایجاد بازارها و زیرساخت‌های اقتصادی در آن‌ها، این شهرها در توسعه نواحی روستایی نقش اساسی داشته‌اند (Hall & Pulver, ۲۰۰۹: ۲-۳).

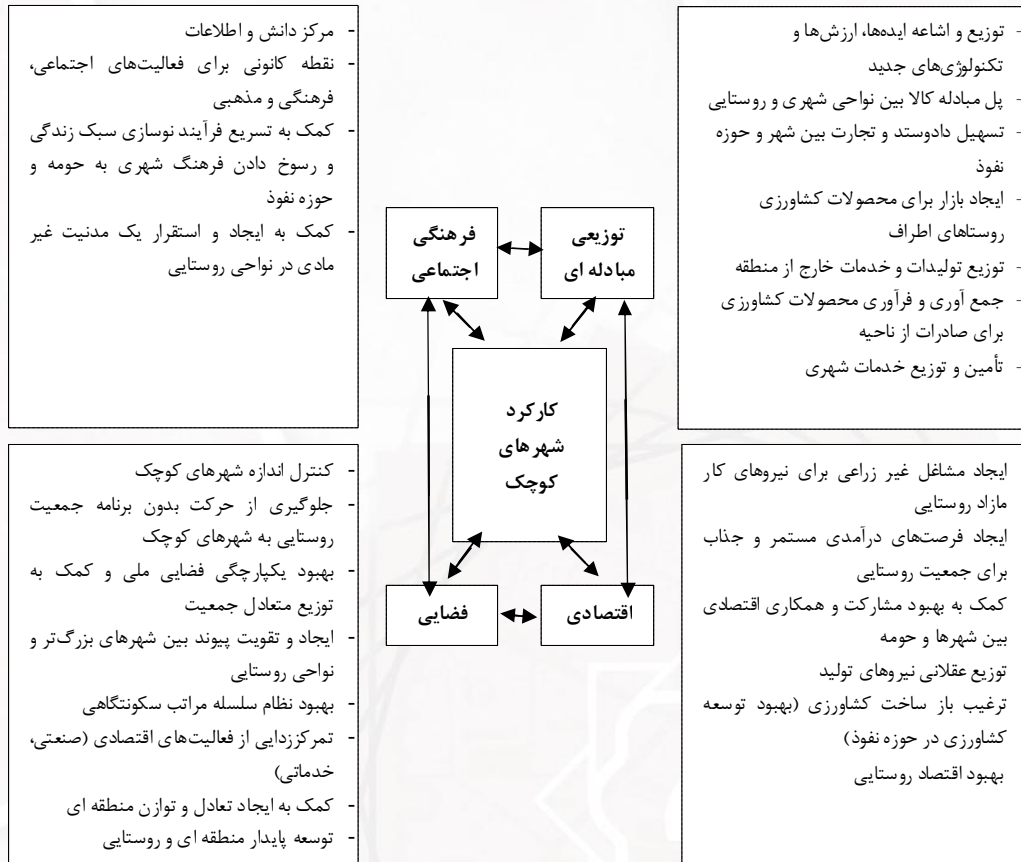
منبع: طاهری، ۱۳۹۰: ۵

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که تقویت رابطه شهر کوچک و سکونتگاه‌های روستایی مساوی است با ترقی کشاورز و اقتصاد روستایی. به این ترتیب، شهرهای کوچک با پذیرفتن نقش مرکز رشد، نسبت به پیرامون خود در مقیاس محلی و منطقه‌ای، علاوه بر رشد و توسعه خود، موجب تثبیت بنیان‌های لازم توسعه در منطقه و حوزه نفوذ روستایی خود خواهند بود و موقعیت جغرافیایی آن‌ها، بر سر راه مبدأ و مقصد مهاجران روستایی، سبب کوتاه‌تر شدن فاصله مهاجرت‌ها، جذب جمعیت اضافی و کاهش فشار بر بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی می‌شود. (فنی، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۱) از این رو با فراهم ساختن امکانات لازم در شهرهای کوچک، می‌توان سیستم سکونتگاهی کشورهای در حال توسعه را متعادل و





متوازن ساخت. این نوع سیستم در توسعه اجتماعی-اقتصادی ملی نیز نقش اساسی دارد. بنابراین روابط شهر و روستا در مسیر توسعه همه سکونتگاه‌ها گسترش می‌یابد و با این دگرگونی، پایگاه بخش کشاورزی در ناحیه تقویت می‌شود (choguill, ۱۹۹۰, p:۲۱۳)



نمودار شماره ۱: کارکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی و پیوند بین آن‌ها [۱]

مرکز توسعه منطقه‌ای ملل متحد (UNCRD) اعتبار شهرهای کوچک و میانی در کشورهای در حال توسعه را بیشتر در گرو سیاست‌های توسعه کشاورزی، شامل پخشایش روش‌های افزایش بهره‌وری و برنامه‌های سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی می‌داند. بنابراین آنچه پیشنهاد می‌شود فقط مدرنیزاسیون و تنوع بخشی خود کشاورزی نیست، بلکه شروع همزمان فرایند صنعتی شدن که به صورت ارگانیک با توسعه کشاورزی پیوند خورده است نیز باید مدنظر باشد (خراط زبردست، ۱۳۸۳: ۲۹).



۴. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جمع آوری اطلاعات ترکیبی از روش‌های میدانی (پرسشنامه خانوار) و اسنادی - کتابخانه‌ای (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵) می‌باشد. به منظور تلخیص و توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی از قبیل جدول توزیع فراوانی، درصد و ... استفاده گردیده است، همچنین در موارد متعدد از فرمول‌های جمعیتی از قبیل نرخ رشد جمعیت و پیش بینی و ... جمعیت استفاده شده است. جهت تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات تحقیق با توجه به نوع متغیر از همبستگی پیرسون استفاده شده است. همچنین به کمک نرم افزار SPSS بانک اطلاعاتی مورد نیاز تهیه گردید و سپس به پردازش و طبقه بندی اطلاعات مستخرج از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در دوره زمانی ۸۵-۱۳۶۵ و پرسشنامه با استفاده از نرم افزارهای آماری (Excel و SPSS) پرداخته شد و به کمک نرم افزار Arcview نقشه مورد نیاز ترسیم گردیده است. از آنجا که امکان مطالعه و بررسی کلیه آبادی‌ها در سطح شهرستان وجود ندارد و نیز با توجه به وجود تشابهات زیاد بین سکونتگاه‌های روستایی شهرستان، از بین ۴۷۹ سکونتگاه روستایی دارای سکنه تعداد ۴۵ آبادی به عنوان نمونه انتخاب (نقشه ۱) و در این روستاها با ۳۸۰ خانوار پرسشنامه تکمیل گردید لازم به ذکر است که جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید.

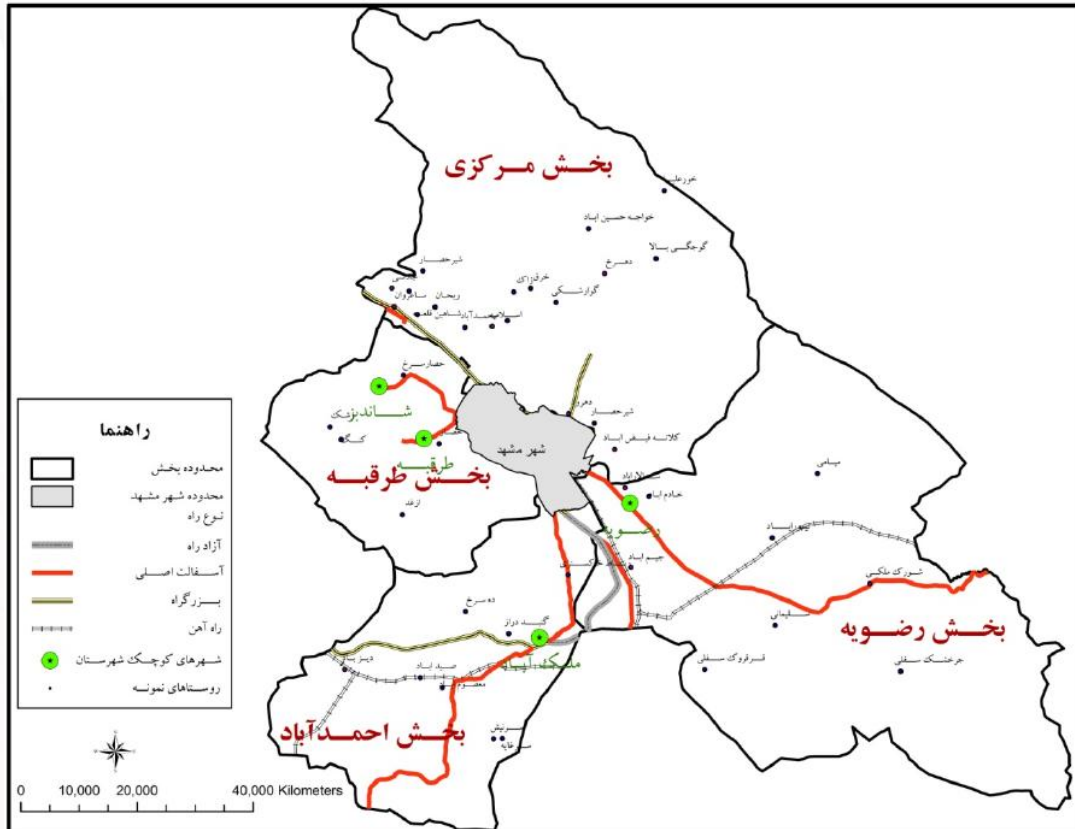
۵. معرفی منطقه مورد مطالعه و تحولات شهرنشینی در آن

منطقه مورد مطالعه منطبق بر منطقه جغرافیایی مشهد و پیرامون و یا به عبارت دقیق‌تر شهرستان مشهد است. بدیهی است بر اساس اصلاحات تقسیماتی در استان خراسان رضوی در پاییز ۱۳۸۶، بخش طرقله، تحت عنوان «شهرستان بینالود» از شهرستان مشهد جدا شد ولی با توجه به اینکه این منطقه همراه با مناطق دیگر در حوزه عملکردی مستقیم مادرشهر مشهد قرار دارد، مطالعه حاضر متمرکز در همان تقسیمات قبلی شهرستان مشهد خواهد بود (یعنی شهرستان مشهد به انضمام شهرستان طرقله و شاندیز).

جدول ۲: تعداد شهرها، دهستان‌ها و آبادی‌های دارای سکنه شهرستان مشهد به تفکیک بخش در سال ۱۳۸۵

بخش	شهر	دهستان	آبادی‌های دارای سکنه
کل شهرستان مشهد	۵	۱۳	۴۷۹
بخش مرکزی	۱	۶	۲۸۰
بخش احمدآباد	۱	۲	۶۱
بخش طرقله	۲	۲	۶۰
بخش رضویه	۱	۳	۷۸

نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵: ۲۴.



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه و روستاهای نمونه تحقیق

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵ بیش از نیمی از جمعیت استان خراسان رضوی در شهرستان مشهد (کمتر از یک دوازدهم مساحت استان) ساکن بوده‌اند که از این میزان تعداد ۲۴۲۷۳۱۶ نفر یعنی ۸۴/۶٪ در مادرشهر مشهد و حاشیه آن و تعداد ۴۴۱۰۳۴ نفر یا ۱۴/۵۳٪ در مناطق روستایی شهرستان و چهار شهر کوچک آن متمرکز بوده‌اند. همچنین تراکم جمعیت در شهرستان در سال ۸۵ رقم بالایی بوده است (۲۷۸ نفر معادل ۶ برابر کشور و استان)، به ویژه در شهر مشهد (۶۱۷۲ نفر در کیلومتر مربع) و در مناطق روستایی (۴۳/۵ نفر، که تفاوت آشکاری را با یکدیگر نشان می‌دهد.

۱. طرح مجموعه شهری مشهد، مهندسان مشاور فرهاد، ۱۳۸۶.



۶. بررسی تعادل شهری شهرستان مشهد

با توجه به اینکه نابرابری در اندازه جمعیتی، زمینه ساز نابرابری در سایر بخش‌ها - نظیر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - می‌گردد و به دنبال آن مسایل و مشکلات عدیده ای در سکونتگاه‌های شهری و غیرشهری به وجود می‌آید (فرهودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۶)، لذا در این قسمت به بررسی توزیع جمعیت در نواحی شهری شهرستان می‌پردازیم. بدین منظور از ۴ مدل رایج در قالب دو دسته کلی استفاده گردیده است، که در جدول زیر آمده است.

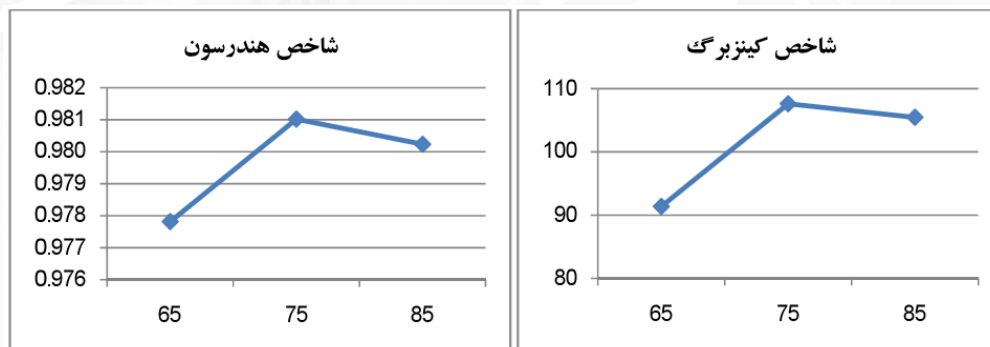
جدول ۳: تغییرات نخست شهری و تمرکز در شهرستان مشهد با استفاده از شاخص‌های مورد استفاده طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵

سال	شاخص‌های نخست شهری		شاخص‌های تمرکز	
	شاخص نخست شهری	شاخص کینزبرگ	شاخص هیرفندال	شاخص هندرسون
۱۳۶۵	۰,۹۸۹	۹۱,۳۹	۱,۹۷۸	۰,۹۷۸
۱۳۷۵	۰,۹۹۰	۱۰۷,۶۲	۱,۹۸۱	۰,۹۸۱
۱۳۸۵	۰,۹۹۰	۱۰۵,۴۸	۱,۹۸۰	۰,۹۸۰

مأخذ: یافته های تحقیق.

درصد شاخص نخست شهری (نسبت جمعیت شهر اول به کل جمعیت شهری شهرستان) بیانگر وجود ۹۹٪ از جمعیت شهری شهرستان در شهر مشهد در سال ۱۳۸۵ می‌باشد. شاخص کینزبرگ نیز نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین شهر (مشهد) طی سال‌های ۶۵، ۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۹۱، ۱۰۷ و ۱۰۵ برابر سه شهر دیگر شهرستان جمعیت دارد. نتایج محاسبات در هر دو شاخص همسو و سازگار بوده است و نشان از وجود پدیده نخست شهری در سطح شهرستان مشهد است.

همان گونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، شاخص تمرکز هرفیندال و هندرسون بیانگر تمرکز شدید جمعیت در شهر مشهد (شهر نخست) طی دهه ۱۳۷۵ نسبت به دهه ۱۳۶۵ می‌باشد که با شیب کمی در سال ۱۳۸۵ کاهش نشان می‌دهد.



نمودار ۲: تغییرات میزان نخست شهری و تمرکز در شهرستان مشهد طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵



با توجه به اینکه شهرهای کوچک در روابط شهر و روستا، اولین هسته های شهری و بلافصل نقاط و نواحی روستایی قلمداد می شوند لذا هرگونه تحرک و فعالیتی در این نوع از سکونتگاه ها بی واسطه، حوزه های روستایی را تحت تأثیر قرار می دهد (Manfred.P, ۱۹۹۱: ۳۳۷). همان گونه که ذکر گردید ۹۹٪ جمعیت شهری شهرستان در شهر مشهد متمرکز است، این امر موجب تمرکز منابع و جریان ها در مادرشهر مشهد و تخلیه منابع از نواحی روستایی اطراف، حتی شهرهای کوچک می گردد. نتیجه آن ساختار کم توان اقتصادی- تولیدی شهرهای کوچک می باشد که توان جذب جمعیت مازاد روستایی و پاسخگویی به نیازهای آنان را ندارد. نقش کم رنگ این شهرها در سطح شهرستان موجب ارتباط مستقیم و بی واسطه روستائیان با شهر مشهد و حذف نقش میانی شهرهای کوچک شهرستان گردیده است. همان گونه که در جدول زیر ملاحظه می گردد، موازنه ۲۰ ساله جمعیتی در شهرهای کوچک شهرستان (بجز ملک آباد که در سال ۱۳۸۱ تبدیل به شهر گردید)، منفی است. در واقع شهرهای کوچک شهرستان طی ۲۰ سال اخیر نه تنها جمعیت سرریز بخش کشاورزی در نواحی روستایی را جذب نموده بلکه قادر به نگهداشت جمعیت خود نیز نبوده اند. بررسی حوزه نفوذ شهری بیانگر این مطلب است که شهرهای کوچک شهرستان مشهد، به لحاظ فاصله کم تا شهر مشهد و کشش بالای مادرشهر، خود در مدار نواحی مهاجرفرست به مشهد قرار دارند.

جدول ۴: جمعیت شهرهای شهرستان مشهد در دهه های ۸۵-۶۵، موازنه جمعیتی و حوزه نفوذ شهری

شهر	جمعیت ۶۵	جمعیت ۷۵	جمعیت ۸۵	موازنه ۲۰ ساله جمعیتی به درصد	رتبه- اندازه	فاصله تا مشهد	B الگوی جاذبه . P. D
مشهد	۱۴۶۳۵۰۸	۱۸۸۷۴۰۵	۲۴۲۷۳۱۶	۸,۹۴	۱	-	-
طرقبه	۸۹۱۷	۹۹۸۲	۱۳۲۰۰	-۰,۷۵	۲	۱۲	۰,۸۲
شاندیز	۴۱۳۲	۴۰۷۷	۶۵۷۰	-۰,۷۰	۳	۲۵	۱,۳۴
رضویه	۲۹۶۵	۳۴۷۹	۳۲۴۳	-۱۶,۶۵	۴	۱۵	۰,۵۳
ملک آباد	۵۳۰	۶۶۶	۱۳۸۳	۲۳,۳۸	۵	۳۵	۰,۸۲

مأخذ: استخراج بر اساس نتایج سرشماری های نفوس و مسکن ۱۳۸۵-۱۳۶۵.

به منظور بررسی حوزه نفوذ شهر از الگوی جاذبه (با الهام از قانون نیوتن) استفاده شد. بر اساس این الگو می توان نقطه جدائی بین هر یک از شهرهای کوچک شهرستان با شهر مشهد تعیین کرد. نماد ریاضی این الگو به شرح ذیل است (حاتمی نژاد، ۱۳۷۳: ۷۷).

$$B.P.D = \frac{d_{ij}}{1 + \sqrt{\frac{P_i}{P_j}}}$$

B . P . D : فاصله نقطه جدائی بین دو شهر، d: فاصله بین دو شهر، P_i: جمعیت شهر بزرگ تر، P_j: جمعیت شهر کوچک تر.



۷. شهرهای کوچک و جذب مهاجرین

شهرهای کوچک به واسطه ارتباط تنگاتنگ و بلافضلی که با نقاط روستایی پیرامون خود (در تمامی زمینه - ها) دارند، می‌توانند ضمن جذب مهاجران روستایی، موجبات پویایی، رشد، توسعه و برانگیختن خود را در یک سلسله مراتب سکونتگاهی فراهم آورند. توسعه این شهرها روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی است و می‌تواند به عنوان شقی در مقابل رشد کلان‌شهرها و کنترل کننده‌ی مشکلات حاصله از لجام گسیختگی و رشد بی‌اندازه‌ی اینگونه شهرها (با جذب مهاجرین روستایی) عمل نماید (ضرابی، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

به منظور بررسی نقش شهرهای کوچک در جذب مهاجرین از پرسشنامه خانوار استفاده گردید. از بین ۳۸۰ خانوار نمونه ۳۲٪ یعنی ۱۱۲ خانوار دارای مهاجرت فصلی می‌باشند. جدول زیر مقصد مهاجران فصلی روستایی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: توزیع درصد مقصد مهاجرت فصلی سرپرستان خانوارهای نمونه در روستاهای شهرستان مشهد

مقصد مهاجرت	تعداد	درصد
مشهد	۶۹	۶۱٫۶
روستاهای مجاور	۲۶	۲۳٫۲
شهرهای خارج شهرستان	۷	۶٫۳
شهرک صنعتی طوس	۳	۲٫۷
طرقبه	۲	۱٫۸
شهر جدید بینالود	۲	۱٫۸
ملک آباد	۱	۰٫۹
رضویه	۱	۰٫۹
گلبهار	۱	۰٫۹
جمع	۱۱۲	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۶: علت مهاجرت فصلی سرپرستان خانوارهای نمونه

دلیل مهاجرت	تعداد	درصد
کار	۹۷	۸۶٫۶
سکونت	۹	۸
تحصیل	۶	۵٫۴
جمع	۱۱۲	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق.



بر این اساس حدود ۶۲٪ مهاجران فصلی مستقیماً به شهر مشهد مهاجرت می‌نمایند. همان گونه که در جدول ملاحظه می‌شود شهرهای کوچک شهرستان در جذب مهاجران روستایی نقش بسیار ضعیفی داشته‌اند. با توجه به جدول شماره ۱ دلیل مهاجرت حدود ۸۷٪ سرپرستان خانوار «اشتغال» می‌باشد، متأسفانه شهرهای کوچک شهرستان نتوانسته‌اند در این زمینه پاسخگوی نیاز نواحی روستایی پیرامون خود باشند و در مواردی با توجه به موازنه منفی جمعیتی پاسخگوی نیازهای شغلی جمعیت خود نیز نبوده‌اند. حال اینکه ماهیت این گونه شهرها در ایجاد فرصت‌های شغلی غیر زراعی و ارائه خدمات مورد نیاز به روستاهای پیرامون خود می‌باشد و می‌توانند نقش مهمی در زمینه توزیع متعادل جمعیت در عرصه یک سرزمین به واسطه پذیرش مهاجرین روستایی ایفا نمایند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۴). ملاحظه می‌شود که در شهرستان مشهد پیوند بین سکونتگاه‌های روستایی و شهرهای کوچک به دلیل ضعف بنیان‌های اقتصادی و تولیدی بسیار ضعیف است. در حالی که شهرهای کوچک می‌توانند با برقراری پیوند منطقی میان اقتصاد روستایی با اقتصاد شهرهای بزرگ به عنوان حلقه ارتباطی بین شهرهای بزرگ و حوزه‌های روستایی نقش موثری ایفا نمایند.

۸. تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

همان گونه که ذکر شد شهرستان مشهد به واسطه وجود مادر شهر مشهد شرایط خاص و ویژه ای یافته و بزرگ سری بیش از حد شهر مشهد موجب خروج جمعیت، امکانات و منابع از نواحی پیرامون (روستاها و شهرهای کوچک) گردیده است. با توجه به سؤال تحقیق (آیا علی رغم وجود قطب پرجاذبه مشهد، شهرهای کوچک شهرستان توانسته‌اند در ایجاد و تقویت تعادل فضایی - جمعیتی و تغییر در اولویت مهاجران روستایی شهرستان موثر واقع گردند؟) لازم آمد متغیرهای مورد نظر در نواحی روستایی در ارتباط با شهر مشهد و شهرهای کوچک شهرستان مورد مقایسه قرار گیرند. جدول زیر با استفاده از همبستگی پیرسون توان اقتصادی و جمعیتی مشهد و شهرهای کوچک شهرستان را در جذب جمعیت مورد مقایسه قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که ۵ متغیر اول قدرت جذب جمعیت روستایی و ۵ متغیر دوم توان اقتصادی را در مورد بررسی قرار می‌دهد.





جدول ۷: شاخص‌های منتخب در نواحی روستایی به منظور مقایسه توان اقتصادی - جمعیتی شهرهای کوچک شهرستان با شهر مشهد در رفع نیازهای روستاهای شهرستان (۱۳۸۹)^۱

متغیرهای مورد نظر در روستاهای نمونه	فاصله تا شهر مشهد		فاصله تا ۴ شهر کوچک	
	Sig. (۲-tailed)	Pearson Correlation	Sig. (۲-tailed)	Pearson Correlation
۱ درصد موازنه جمعیت	۰,۰۹۱	*۰,۳۱۳	۰,۰۴۶	
۲ وزن جمعیتی روستا	۰,۲۲۳	-۰,۰۲۸	۰,۸۶۳	
۳ نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال	۰,۰۷۴	۰,۲۲۰	۰,۱۶۸	
۴ نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال	۰,۱۸۲	-۰,۰۶۲	۰,۶۹۹	
۵ نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال	*۰,۳۶۳	-۰,۲۸۷	۰,۰۶۹	
۶ نسبت شاغلین	*-۰,۳۵۵	۰,۱۶۰	۰,۳۱۸	
۷ نسبت شاغلین در بخش صنعت	۰,۰۹۳	-۰,۳۰۶	۰,۰۵۱	
۸ نسبت شاغلین در بخش کشاورزی	**۰,۵۵۲	-۰,۰۸۷	۰,۵۹۰	
۹ نسبت شاغلین در بخش خدمات	**۰,۵۸۲	۰,۱۶۹	۰,۲۹۲	
۱۰ اشتغال ایجاد شده در واحدهای تولیدی	*-۰,۳۳۰	۰,۰۴۹	۰,۷۶۲	

** Correlation is significant at the ۰,۰۱ level (۲-tailed).

* Correlation is significant at the ۰,۰۵ level (۲-tailed).

همبستگی بین متغیرهای جمعیتی منتخب و فاصله تا شهر مشهد و شهرهای کوچک شهرستان بیانگر:

- با کاهش فاصله تا شهر مشهد روستاها مهاجر پذیر شده و موازنه جمعیتی افزایش می‌یابد و با کاهش فاصله تا شهرهای کوچک روستاها مهاجر فرست شده و موازنه کاهش می‌یابد. وزن جمعیتی روستاها نیز موید همین مطلب است. این امر بیانگر توان بالای جمعیتی شهر مشهد در جذب مهاجرین روستایی و نقش خنثی شهرهای کوچک در جذب جمعیت مهاجر روستایی می‌باشد.
- با کاهش فاصله تا مشهد جمعیت کمتر از ۱۵ سال بیشتر می‌شود و با کاهش فاصله تا شهر کوچک‌تر جمعیت زیر ۱۵ سال کم می‌شود (البته ضریب همبستگی بسیار پایین می‌باشد)
- با کاهش فاصله تا مشهد و شهرهای کوچک‌تر جمعیت فعال (۶۴-۱۵ ساله) افزایش می‌یابد و البته در مورد شهرهای کوچک میزان افزایش بسیار ناچیز است.

^۱ لازم به ذکر است که سطح معناداری (sig) کمتر از ۰,۰۵ با تایید فرض برابری واریانس ها، قابلیت تعمیم به جامعه آماری را داشته و با سطح معناداری (sig) بیشتر از ۰,۰۵ قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد.



• با کاهش فاصله تا مشهد نسبت پیران کاهش و در مورد شهرهای کوچک این نسبت افزایش می‌یابد. این وضعیت حاکی از پیری ترکیب سنی روستاهای دور از مشهد به واسطه مهاجرفرستی آن‌ها و جوانی ترکیب سنی روستاهای نزدیک مشهد به واسطه مهاجریزیری آن‌ها می‌باشد.

همبستگی بین متغیرهای جمعیتی منتخب و فاصله تا شهر مشهد و شهرهای کوچک شهرستان بیانگر:

- با کاهش فاصله تا مشهد نسبت شاغلین افزایش می‌یابد و بالعکس. حال آنکه با کاهش فاصله تا شهرهای کوچک شهرستان نسبت شاغلین نیز کاهش می‌یابد.
- با کاهش فاصله تا مشهد نسبت شاغلین در بخش صنعت به میزان اندکی افزایش می‌یابد و با کاهش فاصله تا شهرهای کوچک شهرستان شاغلین صنعت به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد.
- شاغلین بخش خدمات در روستاهای مجاور مشهد به میزان زیادی افزایش می‌یابد اما شاغلین خدمات در روستاهای مجاور شهرهای کوچک کاهش می‌یابد. این مطلب را اشتغال ایجاد شده در واحدهای تولیدی تایید می‌نماید. به طوری که با کاهش فاصله تا مشهد اشتغال در واحدهای مختلف تولیدی افزایش می‌یابد و بالعکس. در مورد شهرهای کوچک وضعیت متفاوت بوده و با کاهش فاصله تا این شهرها اشتغال ایجاد شده در واحدهای تولیدی کاهش می‌یابد. حال آنکه به دلیل مشکلات ناشی از خشکسالی و نبود فرصت‌های شغلی متنوع در شهرهای کوچک مهاجرین روستایی روانه مادرشهر مشهد می‌شوند.
- با کاهش فاصله تا مشهد شاغلین بخش کشاورزی کاهش یافته و بالعکس، با کاهش فاصله تا شهرهای کوچک شاغلین بخش کشاورزی افزایش می‌یابد. بدیهی است که ساختار اقتصادی روستاهای نزدیک مشهد عمدتاً بخش خدمات و ساختار اقتصادی روستاهای نزدیک شهرهای کوچک شهرستان عمدتاً بخش کشاورزی است. متأسفانه از سال ۱۳۷۲ شهرستان مشهد به شدت دچار خشکسالی گردیده است لذا روستاهایی که شغل عمده ساکنان آن کشاورزی می‌باشد دچار ناپایداری گردیده و جمعیت خود را از دست می‌دهند.

همان گونه که ملاحظه گردید شهرهای کوچک شهرستان در جذب و اسکان سرریز جمعیتی نواحی روستایی و تعادل نظام استقرار جمعیت مؤثر نبوده و نقشی در کاهش بار جمعیتی مادرشهر مشهد و قطبی شدن بیش از پیش این شهر نداشته‌اند. این شهرها به واسطه ناچیز بودن سهم سرمایه گذاری ملی در زمینه تأسیسات زیر بنایی، خدمات، صنعت، و غیره نقش بسیار ضعیفی در جذب مهاجران روستایی حوزه نفوذ خود داشته‌اند. همچنین نقش آن‌ها به عنوان تسهیل‌گر توسعه در نواحی روستایی به شدت ضعیف می‌باشد. راهکارهای پیشنهادی تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:





- با توجه به اینکه عمده مهاجران روستایی، نیروی کار مازاد کشاورزی بوده و در جستجوی فرصت‌های شغلی اقدام به مهاجرت می‌نمایند لذا ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرهای کوچک ضروری است. تاسیس بازارهای کشاورزی محلی و منطقه ای^۱ در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.
- با تقویت امکانات و خدمات مورد نیاز روستائیان در شهرهای کوچک، می‌توان تعادل خدمات را در سیستم سلسله مراتب شهری در سطح ملی و ناحیه ای تقویت نمود و از مراجعه مستقیم روستائیان به مادر شهر جلوگیری نمود.
- تقویت و توسعه زیرساخت‌ها در شهرهای کوچک شهرستان و افزایش سرمایه گذاری در این زمینه نیز بسیار ضروری است.
- با توجه به گستردگی بخش مرکزی شهرستان مشهد و تعدد و پراکندگی روستاهای این بخش، انتخاب یکی از روستاهای بخش مرکزی با کارکرد شهر کوچک و تقویت خدمات پشتیبان کشاورزی در آن از مراجعه مستقیم روستائیان این بخش به مادر شهر مشهد جلوگیری خواهد نمود. بدیهی است انتخاب آن با توجه به ظرفیت‌های مطلوب اقتصادی و تولیدی و موقعیت آن نیاز به بررسی و دقت زیاد دارد.

۱. این بازارها در طرح ستیران در شهرهای کوچک مورد تاکید بوده است.





منابع و مأخذ

- ایزدی، حسن، (۱۳۸۰)، «تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد مطالعه استان فارس»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حاتمی نژاد، حسین، (۱۳۷۳)، «ارزیابی مدل‌های کمی در شبکه شهری استان خراسان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲.
- خراط زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۶)، «بررسی تحولات نخست شهری در ایران»، فصلنامه هنرهای زیبا، ش ۲۹، تهران: دانشگاه تهران.
- خراط زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۳)، اندازه شهر، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا و حسن ایزدی‌خرامه (۱۳۸۱)، «نقش تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری در نواحی روستایی، مورد: استان فارس»، همایش دوسالانه اقتصاد ایران، تهران.
- سرایی، محمدحسین و محمد اسکندی ثانی، (۱۳۸۶)، «تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن‌ها در تعادل بخشی ناحیه ای مورد شناس رپوش شهرستان کاشمر»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰.
- شکوئی، حسین، (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ دهم، انتشارات سمت، تهران.
- ضرابی، اصغر، (۱۳۷۸)، «آینده شهرها، برنامه ریزی توسعه پایدار شهری»، در مجموعه مقالات اولین همایش توسعه پایدار شهری، تبریز.
- طاهری، علی و بوذرجمهری، خدیجه و شایان، حمید و خاکپور براتعلی، (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل اثرات توسعه روستا-شهرها و شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای و روستایی (نمونه موردی: شهرستان نیشابور)»، مجموعه مقالات اولین همایش جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی، مشهد.
- عبدالهی، عبدالله، (۱۳۸۷)، «جهانی شدن، کلان‌شهرها و دگرگونی الگوهای توسعه شهری و روستایی (با تأملی بر گستره‌های فقر و نابرابری شهری در کلان‌شهر مشهد)»، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- فرهودی، رحمت‌الله، زنگنه شهرکی، سعید و ساعد موچشی، رامین، (۱۳۸۸)، «چگونگی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۶۸، تهران: دانشگاه تهران.
- فنی، زهره، (۱۳۷۵)، «نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای، مورد مطالعه: استان خوزستان»، رساله دکتری جغرافیای شهری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فنی، زهره، (۱۳۸۲)، «شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه ای»، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، بهمن، چاپ دوم.
- قاسمی، مریم، (۱۳۸۹)، «پایدارسازی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد با تأکید بر رویکرد متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی»، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۶۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شهرستان مشهد، تهران.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، شهرستان مشهد، تهران.





- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، شهرستان مشهد، تهران.
- مهندسان مشاور فرهنگ، (۱۳۸۶)، طرح مجموعه شهری مشهد، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مسکن و شهرسازی استان خراسان رضوی، ویرایش نخست، خرداد ۸۶، مشهد.
- مهندسان مشاورین D.H.V، (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، ترجمه جواد میر، انتشارات مرکز تحقیقات مسائل روستایی، جهاد سازندگی، جلد اول، چاپ اول، تهران.
- Choguill, Charles L, (۱۹۹۵) Controlled third world decentralization: A tale of two countries, living city, routledge
- Poppe Manfred ;(۱۹۹۱) “Structure Planning for Medium-Sized Towns in Egypt: A Problem-Oriented Approach”; TWPR; Vol. ۱۳; No.۴; pp.۳۳۵-۳۵۵.



This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.